



چهارشنبه ۱ دی ۱۴۰۰ - ۱۷ جمادی الاول ۱۴۴۳

پایگاه معاونت پژوهش حوزه های علمیه خواهران سراسر کشور

مقالات تخصصی مطالعات زنان (/paper/tag/7440/مطالعات-زنان)

## علم آموزی زن از دیدگاه قرآن

شناسه مقاله : 16338

تعداد بازدید : 2688

صاحب اثر: پایگاه تخصصی حجاب

علم آموزی زن از دیدگاه قرآن

از آنجاییکه شمار دانشمندان زن در تاریخ نظام آموزش اسلامی در مقایسه با مردها کمتر است، بعضی‌ها پنداشتند در اسلام محدودیتی درباره تحصیل زنان و دختران وجود دارد. زنان دانشمندی که کم و بیش نامشان در تاریخ برده شده به طور غیر رسمی تحصیل کرده‌اند و شیوه آموزشی اسلام ویژه مردان است.

برای رفع این پندار طرح دو سؤال و پاسخ به آنها ضرورت دارد:

- 1 - آیا در اسلام تحصیل علم و دانش تنها به مردان اختصاص دارد و یا شامل زنان هم میشود؟
- 2 - آیا آموزش در میان زنان و دختران مسلمان در طول تاریخ - به ویژه در صدر اسلام - یک شیوه رایج بوده‌است؟

زن و تحصیل علم

اسلام مرد و زن را در تدبیر شؤون زندگی به وسیله اراده و کار، مساوی میداند از اینرو هر دو در تحصیلاحتیاجات زندگی و آنچه مایه قوام حیات انسانی استیکسان میباشند. زن میتواند همانند مرد مستقلا کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود. در صدور فرمان الهی فرقی بین زن و مرد نیست مگر در احکامی که ویژه یکی از ایشان است. تحصیل علم و کسب دانش نیز از احکامی است که زن و مرد در آن مشترک میباشند و هرگز دین اسلام جنس را سد راه دانش اندوزی نمیداند. مرحوم علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان، پس از نقل سرگذشت تاسفبار زن در طول تاریخ مگوید: زن در تمام احکام عبادی و حقوق اجتماعی با مرد شریک است و در هر امری که مرداستقلال دارد، مانند: ارث، کسب، معامله، تعلیم و تربیت و دفاع از حقوق و غیره زن هممستقل است، مگر در مواردی که با مقتضای طبیعتش مخالف باشد. (1)

بررسی آیات و روایات

تمام آیات و روایاتی که درباره تحصیل علم و دانش وارد شده، همانند «یاایهاالناس» و «یاایهاالذین آمنوا» عمومی است. و شامل زنها هم میشود. اسلام «علم» را نور و «جهل» را ظلمت و علم را بینایی و جهل را کوری مینداند. در قرآن آمده است:

«قل هل یستوی الاعمی والبصیر ام هل تستوی الظلمات والنور... (2)»؛

بگو آیا چشم نابینای جاهل و دیده بینای عالم یکسان است؟ آیا ظلمات و تاریکی جهالتبانور علم و معرفت مساوی است؟ در آیه دیگر آمده است:

«هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون انما یتذکر اولوا الالباب» (3)

آیا آنان که به سلاح علم مجهزند با آنان که با جهل و نادانی دستبسته گریبانند، با هم برابرند؟ فقط اندیشمندان تفاوت این دو گروه را درک میکنند و امتیاز آنان را باز میابند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز فرموده‌اند:

«طلب العلم فریضة علی کل مسلم»

وقتی علم در دیدگاه اسلام نور و بینایی است دستیابی به آن بر هر مسلمانی فرض است. آیامنتوان گفت که از نظر اسلام تنها بر مردها لازم شده که از ظلمتخارج شوند و به روشناییبرسند، اما زنان چنین وظیفه‌های ندارند و باید همچنان در ظلمت جهل و نادانی باقی بمانند؟!

آیه دیگری درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مفرماید:

«یتلوا علیهم آیاته و یرزقهم و یعلمهم الکتاب والحکمة... (4)»

پیامبر آمده است که آیات قرآن را بر مردم بخواند و روح آنها را تزکیه کند و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد.

در آیه «تزکیه» و «تعلیم» با هم ذکر شده و به صیغه مذکر آمده است. آیا میشود بزرگواران را منحصر به مردان دانست؟! فقها مگویند بعضی عمومات و کلیات از «تخصیص» ابا دارد و لحن و بیان به گونهای است کهقابل تخصیص نیست و مطلب آنچه‌ان است که برای عقل قابل تبعیض نمیشود. مثلا درباره علم و تقوی آمده است:

آیا کسانی که دانا و عالم هستند با کسانی که نادان و جاهلند، مساوی هستند درباره «تقوا» هم گفته شده:

«ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فالارض ام نجعل المتقین کالفجار (5)».

آیا آنهایکه ایمان دارند و عمل صالح انجام داده‌اند، آنها را مانند فساد انگیزها قرار مدهیم و آیا پرهیزگاران و فاسقان را مانند هم قرار مدهیم؟

و باز فرموده:

«ان اکرمکم عندالله اتقاکم (6)».

در همه این موارد صیغهها مذکر است. آیا میتوان ادعا کرد، آنچه درباره «تقوا» گفته شده اختصاص به مردها دارد و شامل زنان نیست؟ در این صورت زنها باید از کلیه احکام و فرایض معاف باشند.

همچنین آیا میتوان گفت فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله: «طلب العلم فریضة علی کل مسلم» چون «مسلم» مذکر است تعبیر «کل مسلم» شامل زنان نمیشود؟ هرگز. زیرا اولاً در بعضی نقلهایی که در کتب شیعه وارد شده کلمه «مسلمه» نیز قید شده است:

«طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» (7)

تحصیل علم برای تمام مردان و زنان مسلمان واجب است.

ثانیاً: این تعبیرات اطلاق دارد و مقید به رجولیت نیست و اختصاص از آن فهمیده نمیشود. «مسلم» یعنی: مسلمان، چه مرد باشد چه زن. علاوه بر آن در همه نمونههایی که شبیه این تعبیر هست، همینطور عمومیت دارد. مثلاً در حدیث:

«المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه» مسلمان آن است که سایر مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند.

بدیهی است که مقصود روایت این نیست که فقط مرد مسلمان اینطور باشد.

همچنین در روایت «المسلم اخ المسلم» نمیتوان گفت: چون فرموده: «المسلمة اخت المسلمة» پس دستور مخصوص مردها است. گرچه کلمه «مسلم» دو مفهوم دارد: یکی مسلمان بودن و دیگری مرد بودن اما بر همگان روشناست که در این موارد جنسیت مورد نظر نیست و در معنا دخالت ندارد. (8)

تنها در مجموع روایات کتب حدیثی دو روایت (9) آمده که از آموزش کتابت و سوره یوسف نهی کرده است. این دو روایت اولاً: از حیثند دارای اتقان نیستند و ثانیاً: جنبه ارشادی و اخلاق‌دارند. علاوه بر آن در هر دو روایتبه آموزش سوره «نور» سفارش شده است

که خود گواه تاکید برآموختن است.

استاد شهید مطهری نیز درباره آموزش زنان میفرماید: «خداوند فکر و استعداد درس خواندنرا و میل و شوق به آن را همانطور که در مرد قرار داده در زن هم قرار داده و منع او چیزی جز جلوی استعداد خدا دادی را گرفتن نیست».

آموزش زن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جهاد مقدس بیکار با بسوادی را از خانه خود آغاز کرده بود. بلاذری با سندروایت میکند که هنگام ظهور اسلام در مکه تنها هفده نفر با سواد بودند. وی پس از شمردن اسامی آنها، از یک زن قرشی نام برده که در دوره جاهلیت مقارن ظهور اسلام خواندن و نوشتنمدانست. نام او «شفا» و دختر عبدالله بن عبد شمس بود. این زن مسلمان شده بود. و از مهاجران اولیه و از زنان فاضله به شمار مرود (10).

بلاذری میگوید:

این زن همان است که به دستور پیامبر صلی الله علیه وآله به حفصه همسر پیامبر کتابتآموخت (11).

بلاذری آنگاه چند زن از زنان مسلمان را نام میبرد که در دوره اسلام، هم خواندند و هم نوشتند و یا تنها میخواندند. او نام «حفصه» دختر عمر، «امکلثوم» دختر عقبه بن ابی معیط «عایشه» دختر سعد، «کریمه» دختر مقداد و بالاتر از همه «شفا» دختر عبدالله بن عدویه رامنگارد. شفا به حفصه درس سداد و پیامبر از او خواست تا به حفصه پس از زناشویی با پیامبر همچنان درس بدهد. پس حفصه، خواندن و نوشتن مدانسته است و نام او را جزء دارندگان مصاحف ضبط کردهاند (12).

از این جریان معلوم میشود که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای زنان خود معلم زن انتخاب کرده بودند اینعمل پیامبر برای آموختن به دختران و زنان الگو و نمونهی شد و دیری نیاید که در مدینه افراد باسواد رو به فزونی نهادند و آمار باسوادها بهطور چشمگیری بالا رفت، در میان زنان و دخترانکسانی پیدا شدند که خواندن و نوشتن را فرا گرفتند.

تعلیمات دینی پیامبر صلی الله علیه وآله برای زنان

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بخشی از اوقات خود را به آموزش زنان در مسایل دینی اختصاص داده بود. بخاری به سند خود روایت کرده است که زنان به پیامبر گفتند:

مردان در استفاده از محضر شما بر ما پیشی گرفتهاند. پس خود، روزی را بهما اختصاص بده.

آن حضرت قبول کرد و روزی را به ایشان اختصاص داد و در آن روز به وعظ و ارشاد زنانپرداخت (13) و مرتب آنان را برای آموختن و دلگرم ساختن دیدار میکرد.

دختر پیامبر اکرم و همسران او در زمان حیات و پس از رحلت آن حضرت مرجع در مسایلدینی و فقهی بودند و «خانه هریک از ایشان به منزله مدرسهای بود که طالبان دانش و حدیث در آنجامع میکردند و به فراگرفتن احکام شریعت و انواع دانش و حکمتسرگرم میشدند. بین مردم همسران پیامبر نیز پردهای آویخته بود تا کسی نتواند ایشان را ببیند». (14)

بزرگان صحابه بسیاری مسایل دقیق و مهم را از زنان پیامبر میپرسیدند. (15) با این ترتیب زن درروزگار پیامبر و صدر اسلام یکی از مصادر دانش و مورد تایید دین و پذیرش جامعه بود (16) رفتن زنانه مساجد برای ادای نماز در آن زمان کاری عادی و معمول بود. و این رفت و آمد فرصت مناسببود تا در مجالس علمی که از سوی بزرگان صحابه در مساجد برپا میشد حضور یابند. داستان آنزن که پیشنها عمر را درباره پایین آوردن میزان مهریهها رد کرد و عمر پس از شنیدن دلیل وی، رجوع به حق کرد، مشهور است و این خود دلیلی استبر اینکه آزادی اندیشه برای مردها و زنها یکسان بوده است. (17)

زنان معلم و محدث

برخی از زنان در تعلیم مردم به همسران پیامبر اقتدا میکردند. بنا به گفته ابن خلکان مادر حسن بصری که در سده اول هجری زندگی میکرد برای زنان داستانهای دینی تعریف میکرد و باسخنان پندآمیز آنان را موعظه و ارشاد میکرد و این در زمانی بود که پسرش حسن به نقلداستانهای دینی و تشکیل مجالس درس برای مردها میپرداخت (18).

مساجد، مراکز تعلیمات عمومی بود که زنان نیز میتوانند به آن رفت و آمد کنند و در مجالس علمی آن حضور یابند. زنان در صدر اسلام نه تنها از حق تحصیل دانش برخوردار بودند بلکه این حق را هم داشتند که به تعلیم و نشر دانش بین زنان و مردان بپردازند و در بین آنان معلمانو استادانی در بخشهای مختلف علوم اسلامی وجود داشت، به ویژه در زمینه علم حدیث کهزنان میتوانند در آن

رشته به درجه استادی نایل شوند و در اینباره با محدثان و حافظان بزرگبه قابتبرخیزند و نمونه بارزی در امانت و عدالتباشند. کار زنان محدث به جایی رسید که علما و ناقدان حدیث اعتبار و اعتماد کاملی برای آنان قایل شدند که بسیاری از بزرگان از بیندانشمندان مشهور اسلام نتوانستند به این مرتبه از اعتماد نایل شوند. ذهبی در کتاب میزانالاعتدال فنقدالرجال که آن را به نقد راویان حدیث و میزان صداقت و جایگاهعلمی ایشان اختصاص داده، در باب زنان محدث مگوید:

من از بین زنان محدث کسی را نمشناسم که در این زمینه متهم و متروک شده باشد. (19)

استادان زن غالباً در مساجد و یا اماکن عمومی به تدریس و بیان حدیث میپرداختند و شنیدنحدیث و مسایل علمی در محضر زنان در خانهها و با اجازه از همسران ایشان صورت میگرفت (20).

ابن حجر عسقلانی در کتاب خود الاصابه از تعداد 1552 نفر (21) ابن اثیر در کتاب «اسدالغابة» بیشهزار از نفر از زنان صحابه رسول خدا نام مبرند، که مصادر فقه و حدیث و تفسیر و تاریخ و سیرهبودهاند (22) و هر کدام مانند مردها به علوم مختلف وارد بودهاند.

مشهورترین دانشمندان زن از صحابه

ام سلمه

او دارای منزلتی والا در علم و روایتحدیث میباشد و پس از خدیجه فاضلترین و پرهیزگارترین زنان پیغمبرصلی الله علیه وآله و داناترین آنها به کتاب و سنت است. تا جایی که عایشه به او گفتهاست:

تو نخستین بانوی مهاجر از زنان رسول خداصلی الله علیه وآله میباشی و تو بزرگ مادرانمؤمنان هستی و جبرئیل بیشتر در خانه تو مبود. (23)

ام سلمه از فقهای زنان صحابه بهشمار مرفت (24) درباره علم و اجتهاد او کافی است که بگوییمجابرین عبدالله انصاری صحابی

بزرگوار با همه شکوهی که در میان صحابه داشته او مراجعهمکرد و به فتوای او عمل منمود. (25)

احادیثی که امسلمه از پیغمبر روایت کرده است، بالغ بر 378 حدیث میباشد (26) و روایات او درفضیلت علنعلیه السلام معروف است (27) و اشعاری که مورخان از این بانوی گرانقدر ذکر کردهاند دربارهولایت اهل بیتعلیهما السلام میباشد. (28)

ام اسلم

او از زنان صحابه بوده و زمان امام سجادعلیه السلام و فیض حضور آن حضرت را نیز درک کرده بود.ایشان کتب بسیاری خوانده و به همین جهتبه «قاریةالکتب» موصوف بوده همچنین به جهتروایت قضیه سنگ ریزه (29) به «صاحبةالحصاة» نیز معروف شد. و به مدلول همین روایتبسیار باجلالت و مورد توجه خاندان عصمتبوده است. (30)

ام جمیل

فاطمه دختر مجلل بن عبدالله بن قیس، از فضلا و ادبای زنان و از سابقین به دین مقدس اسلامبود. او با حاطب بن حارث بن مغیره ازدواج کرد و دو پسر بهنامهای محمد و حارث از ویبهوجود آمد. ایشان با شوهرش به حبشه رفته و بعد از مرگ شوهر با پسرهایش به مدینه برگشتهاست. او برای بهبودی پسرش محمد که به آتش سوخته بود، شرفیاب حضور مبارک پیامبرصلی الله علیه وآلهگردید و تقاضای دعای خیر کرد و در اثر دعای آن حضرت پسرش شفا یافت. (31)

ام رعله قشیریه

وی از زنان صحابه و عالم و شاعر و بسیار فصیح بود و از پیامبر اکرمصلی الله علیه وآله روایت نقل کرده است.روزی به خدمت پیامبر اکرمصلی الله علیه وآله رسید و عرض کرد:

السلام علیک یا رسولالله و رحمةالله و برکاته انا ذوات الخدور و محل ازرابعول و مربیات الاولاد و مهادات المهاد و لاحظ لنا فی

الجیش الاعظم فعلمناشینا یقربنا الی الله عزوجل.

پیامبر اکرمصلی الله علیه وآله در جواب او فرمود:

اگر شما زنان از ذکر خدا غافل نباشید و چشم خود را از نامحرم ببندید و به گونهای صحبتکنید که مرد اجنبی بشنود، شما ماجور و

مثاب خواهید بود. (32)

ام رعله بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، حسنینعلیهما السلام «در برگرفته و کوچه‌های مدینه را گردیده واشک مریخته است و چون به در خانه فاطمهعلیها السلام رسید این بیت را انشا کرد:  
یادار فاطمه المعمرور ساحتها هیجت لی حزنا حییت من دار (33)

نسیبه بنت الحارث ام عطیه

ایشان از زنان فاضله صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله شمرده مشد که در بیعت رضوان و جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه وآله شرکت داشته و مجروحین را مداوا نکرد. جمعی از صحابه و علمای تابعین در بصره «غسل میت» را از او گرفتند و از پیامبر اکرم روایت نقل کرده است. (34)

معاذ غفاریه

از زنان فاضل و عالم عصر خود و انیس رسول خدا در سفرها بود. وی مگوید:

من با رسول خدا انس بسیاری داشتم - یعنی به خانهاش رفت و آمد منکرم- چون در سفرها برای مداوای زخمیان و پرستاری بیماران با وی مرفتم. روزی داخل خانه عایشه شدم، دیدمعلعلیه السلام بیرون مآید و رسول خدا در غیاب علعلیه السلام به عایشه مگوید: «ان هذا احب الرجال الی و اکرمهم علی فاعرفی له حقه و اکرمی مثواه».

این مرد، محبوبترین و گرامترین مردان است نزد من. حق او را بشناس و احترامش راداشته باش. (35)

ام حکیم بیضا، دختر عبدالمطلب و عمه رسول اکرم صلی الله علیه وآله او از زنان فاضله و خردمند بنی هاشم و ادیب و فصیح و بلیغ بود و به هر یک از «بیضا» و «قبةالدیاج» موصوف و ملقب و در نظم شعر نیز طبعی وقاد داشته است، حسبالامر پدر در حالیاتش مرثیه‌های برای او گفته که از ابیات آن است:

الا یا عین جودی و استهلی و بکی ذا الندی والمکرمات الا یا عین و یحک اسعدینی بدمع من دموعاطلات (36)

ام الدرداء

خیره دختر ابو حدرد اسلمیه و زن ابوالدرداء عامربن حارث از فضلا و محدثین زنان صحابه بوده که احادیث بسیاری از رسول اکرم صلی الله علیه وآله و شوهرش استماع و روایت کرده است. (37)

امالدرداء هجیمه دختر حبی زن دیگر ابوالدرداء

او نیز محدث و عالم و زاهد بوده از سلمان و شوهر خود روایت منکرم. پیوسته به نماز و عبادت اشتغال داشت و دوستدار مجالس علما بود. شش ماه در بیتالمقدس و شش ماه دردمشق اقامت منکرم (38).

اسماء بنت عمیس

خواهر میمونه همسر رسولخداصلی الله علیه وآله:

او از زنان فاضل و بزرگوار روزگار خویش و از اولین گروندگان به اسلام بود که همراه همسرشجعفر طیار، برای پیشبرد اسلام به حبشه مهاجرت کرد و در سال فتح خیبر در سال هشتم به مدینه بازگشت او پس از شهادت جعفر، در سال هشتم با ابوبکر ازدواج کرد. اسما، این صحابی جلیل‌القدر و راوی موثق رسول خداصلی الله علیه وآله مادر محمدبن اببکر است کهدرباره او گفتهاند: نجابت محمدبن اببکر از جانب مادرش بود. (39)

اسما از شهود و از تکذیب کنندگان حدیث جعلی «نحن معاشر الانبیاء لانورث، ما ترکناه صدقة» (40) و از راویان معروف حدیث «ردالشمس» برای علعلیه السلام در زمان پیامبر است. (41) اسما از راویان حدیث غدیر است. قریب سی تن از بزرگان حدیثشعه و سنی از اسما روایت نقل کرده او را توثیق کردهاند (42). شیخ صدوق نیز در «فقیه» از ایشان روایاتی نقل کرده است. در کتب روایتتعداد روایاتی که از ایشان نقل شده به شصت عدد منرسد.

اروی دختر حارث بن عبدالمطلب

صحابی رسول اکرم صلی الله علیه وآله و از بانوان فصیح و بلیغ بود. وی در برابر معاویه، ناحق بودن خلافت او و اسلام نیاوردن او را (تا فتح مکه) به رخس کشید و از امانتداری علی علیه السلام و عمل آن حضرت به احکام الهی سخن گفت و عمر و بن عاص و سعید بن عاص و مروان را مفتضح ساخت و شعر در فضایل امیرالمؤمنین سرود و صفات آن حضرت را برشمرد. (43)

ام سنان

او دختر چشمه یا خیمه و از شعرا و فضیله عرب و موصوف به حسن ادب است و در نظم و نثر مهارت داشت. لطافت معانی را با فصاحت الفاظ توأم مداشت، اشعار او، که در مدح اهل بیت طهارتعلیهما السلام سروده و قبیله خود «بنی مذحج» را به نصرت و یاری ایشان ترغیب نموده برهانه قطع این مدعا است. (44)

اینها نمونههایی بودند از زنان صحابه که در زمان پیامبر اکرم به فضل و دانش معروف بودند. طبق گزارشهای مورخان بسیاری از زنان در عصر پیامبر در کوهلتسواد آموختند. (45)

اسلام برای بیکار با جهل و بسواد، روزنهای تازه و وسیع به سوی افقهای بکران دانایی و آگاهی گشود و زنجیر از پای درک و شوق انسانها برگرفت. دانستن و علم آموختن برای همگانتهتها آزاد که یک «فریضه» شد.

به برکت تعالیم اسلام و دستور پیامبر خیراندیش اسلام بود که زنان همدوش مردان بهدانشآموزی روی آوردند. اینکار، با توجه به شرایط دشوار و ناسازگاری که آن زمان فراروی زنانقرار داشته راستی یک انقلاب بود، روش نوین پیامبر صلی الله علیه وآله در آموزش زنان و یکسان شمردن آنانبا مردان یک انقلاب عظیم فرهنگی بود که جهان اسلام را فرا گرفت و فضا را عطرآگین ساخت. (46)

آموزش زنان در دولت علوی

در دولت علوی نیز مبارزه با جهل و بسواد در اولویتبود. اصرار امام به این بود که جهل راریشهکن کند و علم را بهجای آن در مغزها جایگزین سازد. جهان اسلام همه آشیان علم گردد وگرنه دست کم مراکز حکومت اسلامی کانون علم باشد. و درس نخوانده و تحصیل نکرده شاغلشغلی در دولت نباشد. امام علی علیه السلام در خطبهای که ذکری از آل محمد صلی الله علیه وآله و آشیانه آنها میکند مفرماید:

«فانهم عیش العلم و موت الجهل. همالذین یخبرکم حکمهم عن علمهم و صمتهم عنمنطقهم...» (47)

آنان حیات علم و مرگ جهلاند، آنان که حکمشان شما را از علمشان و خاموششان ازگفتارشان و ظاهرشان از باطنشان آگاه مسازد. بر اهل دقت فرق عبارت «عیش علم» با تعبیرات دیگر مثل عالماند و ذوعلماند، پوشیده نیست. کسی «عیش علم» خواهد بود که تمام زندگیش مصروف علم شود و وسایل تحصیل علم رافراهم کند، اهل علم را تشویق کند و آنها را بزرگ شمارد و راه به کوی علم برای همه باز کند.

از این رو دربار کوفه در عهد امامعلیه السلام غلغلهای از علم و تعلم بوده و شعاع علمش تا امروزمتابد. چه نشانی بهتر از «نهجالبلاغه» که جمعاوری اندکی از بسیار کوفه است و تاکنون مانده و هنوزستارهوار مدرخشد و بر همه تفوق دارد.

بهطور کلی، این خاندان معدن علم و معارف و گنجینه حکمتبودهاند وابستگان به این بیتتیز عمدتا همه از فضل و کمال آنان بهره مند بوده و همسران و دختران این خاندان عالمترین وفاضلترین زنان زمان خود بودهاند که چند نمونه از آنان را در زیر مسآوریم:

ام کلثوم

او که دختر امیرالمؤمنینعلیه السلام و فاطمه زهراعلیها السلام است در سال ششم هجری بهدنیا آمد و در سال 54 هجری در حال حیات برادرانش امام حسن و امام حسینعلیهما السلام در مدینه رحلت فرمود. صاحبانکتب انساب و سیره، او را زینب صغری، امکلثوم کبری و رقیه نامیدهاند. (48)

امکلثوم را در زمره اصحاب رسول خدا نیز ذکر کردهاند. (49) لیکن ابن سعد او را از جمله کسانی نامبرده که از غیر رسول خداصلی الله علیه وآله روایت کردهاند. (50) مرحوم مامقانی درباره او منویسد:

«زنی جلیلالقدر زیرک و بلیغ بود و من او را از ثقات مدانم» (51)

زینب کبری

دختر امیرالمؤمنینعلیه السلام و فاطمه زهراعلیها السلام است و یکی دیگر از روایان حدیث از امیر مؤمناناست که در زمان حیات پیامبر اکرم به دنیا آمد و به سال 61 یا 62 بدرود حیات گفت، از ایشان بهصدیقه صغری، عقيله بنهاشم، عالمه غیر معلمه و غیر مفهمه یاد شده است این بانوی بزرگواردر فصاحت و بلاغت، زهد و تقوا، عبادت و تهجد همانند پدر و مادر گراماش بود. هر گاه لب بهسخن مگشود چنان بود که گویا علیعلیه السلام سخن مگفت. مرتبه عقل و دانش و عفت و عصمت آنحضرت بر همگان مشهود است. سخنان زینب کبری پس از شهادت برادرش و خطبههای او در بازار کوفه و مجلس یزید همگان را به حیرت واداشت. امام سجادعلیه السلام خطاب به ایشان فرمود:

«انتبحمدالله عالمة غیر معلمه و فهمة غیر مفهمه» (52) امام سجادعلیه السلام و جابر بن عبدالله انصاری، فاطمه بنتالحسین، محمدبن عمرو، عطاءبن سائبو عباد عامری از زینب کبری روایت نقل کردهاند و آن حضرت از مادرش و پدرش و اسماء بنتعمیس وام ایمن روایت کرده است. (53)

پی نوشتها :

- (1) تفسیر المیزان، ج2، ص 284، ترجمه ج2، ص 383.
- (2) رعد (13): 16.
- (3) زمر (39): 9.
- (4) جمعه (62): 2.
- (5) ص (38): 28.
- (6) حجرات (49): 13.
- (7) بحارالانوار، ج1، ص 172.
- (8) مقایسه شود با مقاله استاد شهید مطهری در کتاب «گفتار ما» سال دوم صص 122-136.
- (9) وسایلالشیعہ، ج14، صص 126-127.
- (10) الاصابه، کتاب النساء، ص 619 و تهذیب التهذیب، ج12، ص 428 و طبقات ابن سعد، ج8، ص 196.
- (11) فتوحالبلدان بلاذری، صص 458-459، طبع مصر.

منبع: پایگاه تخصصی حجاب

مطالعات زنان (/paper/tag/7440/مطالعات-زنان)

معاونت پژوهش (http://pooyesh.whc.ir)